سال دوم شماره ۲۲۹ — صبح یك شنبه ۱ بهمن ماه ۲۳۳۱ — تك شماره یك ریال و نیم

آذر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

آذر روزهای یکشنبه ـ سه‌شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

« بهای اشتراك »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ »
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

جای اداره :
(خیابان لاله‌زار ـ پاساژ بهار)
تلفن ۹۸۱۷

بمناسبت آغاز بیست و یکمین سال فوت لنین

۲۱ ژانویه ۱۹۲۴ میلادی امواج پخش کرده رادیو و سیمهای حساس تلگراف مسکو خبر غم‌انگیز فوت ولادیمیر ایلیچ اولیانف لنین را بکوش جهانیان رسانید.

نه تنها میلیونها رنجبران دنیا بلکه عالم بشریت باشنیدن این خبر قهرآنگان خورد بهون اراده سرش را بپائین آورده بعظمت او اعتراف نمود.

لنین دشمن اجتماعی بسیار داشت دنیای کهنه ، دنیای بـ ـرازیت ، جهان بیدادگر ، عالم فلاکت و ادبار درمقابل اراده تزلزل ناپذیر او بلرزه در آمده بود او میخواست بنیان آنرا برانداخته جای آن عالم جدیدی ایجاد بکند او میخواست دنیائی بسازد که از ظلم و جهالت و بیدادگری و نفر و بیچارگی و ناامیدی اثری در آن نباشد . لذا دنیای قدیم باتمام نیروی خود دشمن او بود از فکر عمیق و قلم توانا و منطق خرد کننده و اراده آهنین او ترسیده بود باوجود این هیچکس با قوت او اظهار خودنمائی نکرد . حتی مطبوعات ارتجاعی هم ناچار شد بیزرگی روان او اعتراف نماید بدینوسیله ثابت شد که این مرد انقلابی یك نفر هم باشد دشمن شخصی ندارد و حتی پیدا نشد بطور خصوصی واز نقطه نظر اخلاق شخصی از او رنجی در دل داشته باشد. برای اینکه او انسان کاملی بود که برای جامعه زندگی میکرد برای نجات بشر مبارزه مینمود برای از بین بردن ناعدالتی های اجتماعی استعداد و همت و عمر خود را به نیرد طاقت فرسای طبقاتی مصروف کرده بود .

با پیدایش لنین در تاریخ بشر دوره جدیدی آغاز شده است تعلیمات او خلاصه دانش و فرهنگ تمام ادوار تاریخ بشری است هنوز دنیا بعمق افکار و تئوری او کاملا پی نبرده است اگر چه این تئوری بسیار ساده بسیار قابل فهم و بسیار طبیعی می باشد.

لنین هرگز خودرا مانند فیلسوفان خیال پرور تسلیم اوهام نموده پیوسته سعی کرده است طبق تعلیمات استادان خود (کارل مارکس و فردریك انگلیس) مسائل اجتماعی را روی مشهودات و پایه اصول علمی تحلیل و تجزیه (دیالکتیك مادی و طبیعی) حل بکند حوادث تاریخی را درحال تحول و تغییر و جوش بیان نماید

بزرگی لنین در این است که او سوسیالیزم علمی را توانسته است بموقع عمل بگذارد و از آن نتایج اجتماعی و سیاسی بگیرد.

لنین درطی فعالیت اجتماعی و سیاسی خود بسائل بسیار مهم و مشکلی برخورده با حل و بیان آنها در رشته علوم اجتماعی سیستم نوینی ایجاد کرده است که لنینیزم نامیده میشود.

لنینیزم در دست رنجبران دنیا اسلحه بسیار گرانبهائی است، اینرا نم تنها یك سیستم فلسفی نیست ، طرز تفکر طرز کار طرز حل مسائل اجتماعی طرز مبارزه طبقاتی طرز پیش بینی جریان حوادث بالاخره کلید تمام مسائلی است که در حال سیاسی طبقه رنجبر بدون آن در شرایط عصر امپریالیزم ممکن نیست بتواند کاری از پیش ببرد .

لنین مانند استاد خود کارل مارکس میگوید « فیلسوفها کسانیکه تنها دو وظیفه مهم در اجتماع کرده نقشه‌هائی در مغز خود داشته‌اند و قوم رموز جامعه و دنیای عالی و پائین نیست باید آنرا تغییر داد » مارکس و او توضیحات مطلب سر این است .

تعلیمات لنین فلسفه باقی نیست بطور

باقی در صفحه ۴

ولادیمیر ایلیچ اولیانف (لنین) بمناسبت غزبیست و یکمین سال فوت او

بواسطه تراکم اخبار در دوشماره اخیر دنباله مقالات « بیان حقایق » و « آناطول فرانس » بطبع نرسید . از خوانندگان پوزش میطلبیم و امیدواریم در شماره آینده جبران کنیم .

کریم کشاورز — بمناسبت آغاز بیست و یکمین سال درگذشت ولادیمیر ایلیچ اولیانوف لنین

« مرك جسمانی لنین »

مرك عمل او نیست .

یوم شوم استعمار بر ویرانه های استقلال ماشسته بود . جنك جهان گیر پایان می یافت . کاخ سست بنیان سلطنت تزار ها فرو میریخت ایران که فقط صورتی از استقلال و تمامیت را حایز بود هر وقت از آن ظواهر خالی از معنی نیز محروم گردد . این استقلال که مواد موازنه دوقوه بود در آن روزها از پایه متزلزل گشت . بر اثر انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و سقوط رژیم تزارها یکی از آن دو نیرو علاوه از صحنه سیاست کشور ما ناپدید شده بود . دلالان جهانگیران مقدمات روش ماو کشورمان را تهیه مورد دند .

فقط کسانی که آن ایام نکبت بار و پر محن — آن معرکه مخنق — آن هوای عفن را که به قرارداد لعنتی ۱۹۱۹ منجر و منتهی گشت فراموش نکرده و نقل آن بوع گران را باتمام وجود خویش حس کرده بودند معنی بزرگوارا که تاثر این بر ایران ما داشت کماهو حقه درك میکنند .

پس از سقوط نیکولای دوم میرات وی بدست کسانی افتاد که در درون روسیه سیاست استوار و رحمت کشان خودی و عامل منفوره تنها را مقیت و در سیاست خارجی نیز روش پیش تزار هارا که مبنی بر هوس‌های جهانگیری بود دنبال میکردند شورو شعفی که پس از انتشار خبر تغییر رژیم روسیه در مردم ایران پیدا شد عمری نداشت .

نخستین قدمهای حکومت موقتی کرنسکی در زمینه سیاست خارجی آن را زائل کرد . مانند نقطه روشنی که در یك دم ـ یکلحظه کوتاه در آسمان سیاه طوفانی پدید آمده و محو شود ناپدید گشت .

ماهی چند گذشت . . . کلمات تازه بگوش ما رسید . باوجود دیوار پولادینی که دشمنان بیداری و ترقی بشریت وضع دیده گردانکرد که بین اوضاع روسیه کشیده بودند مردم ایران و دیگر ملت‌های ستمدیده از احتمال وقوع طوفان واقعی ـ طوفانی که تارو پود حروف‌ها را نابود و آسمان را صاف کرده و بلیدی‌ها را نزدا ند . اطلاع حاصل کردند انقلاب کبیر اکتبر وقوع یافت . امید گشوده . امید بازیافتن استقلال و آزادی از دست رفته بدلهای ما باز گشت . این

باقی در صفحه ۴

کنوتف

حکایاتی چند راجع بزندگانی لنین

این کتاب ساده که از حکایتهای ساده و طبیعی زندگانی لنین برداشته شده است قلم کنوتف تحریر و از طرف علی رهبر بفارسی ترجمه شده در مسکو چاپ رسیده است .

کنوتف سعی کرده با حکایات نامبرده پیشوای بزرگ اکتبر را بدون پیرایـ ـه بخوانندگان معرفی نماید .

هر یك از حکایات با تابلو های طبیعی تزیین گردیده در آن‌ها لنین را در لباس های گوناگون متناسب با حکایت تصویر نموده‌اند

ترجمه بسیار روان و ساده است اگرچه گاهی عبارات شکسته ـ مثلا (در آنجا چنین جنگل‌هائی هست که انسان یك روز تمام راه میرود) تصادف می شود با وجود این آقای رهبر با موفقیت از عهده ترجمه برآمده است .

ما خواندن این کتاب معنی ، اثر و قوت را بخوانندگان آذر حداقل توصیه نموده برای نمونه یکی از قصه‌های آن را چاپ می کنیم .

باقی در صفحه ۲

بقلم : « احمد ـ احمد »

علت سقوط ناگهانی ورشو

تمام انظار دنیا متوجه نبرد خونینی بود که در « بوداپست » جریان داشت ، آلمانیها میکوشیدند از « بوداپست » یك استالین گراد آلمانی » درست کنند .

در همین گیرودار بود که یك فرمان مارشال استالین ما نند یك خبر عادی سقوط « ورشو » را اعلام داشت . ورشوئی که ارتش‌های موثور زنرال گودریان در ۱۹۳۹ یك سال برای تصرف آن وقت تلف کرده بود .

دنیا هنوز از شگفتی این خبر غیر مترقبه بیرون نیامده است....

این پیروزی درخشان ارتش سرخ را باید زائیده دو عامل اساسی دانست

یکی مانور ماهرانه ارتش سرخ دیگری فقدان احتیاط سوق الجیشی ارتش آلمان

***

جبهه آلمان و شوروی بوجود عقب نشینیهائی که بمنظور کوتاه کردن خط جبهه ، از طرف ارتش آلمان بعمل آمده هنوز خیلی طولانی است و بر خلاف جبهه باختر وجنوب اروپا برای عملیات تعرضی دامنه دار فرصت کافی وجود دارد .

در این جبهه فرماندهی ارتش سرخ با استفاده از یك اصل اساسی و یکی مانور ماهرانه دست زده بنا باین اصل در یك جبهه ثابت که یکی از طرفش میخواهد دست بتعرض زند ، دو یکی از قطعات جبهه فشاری وارد میآورد و طرف مقابل را مجبور میسازد که قوای احتیاطی خود را درهمان قطعه گرد بیاورد ، و در آن هنگام که توجه فرماندهی دشمن در آن نقطه متمرکز شده ، ضربت قاطع و اصلی را در یك ناحیه دیگر از جبهه وارد سازد .

بدینگونه فرماندهی ارتش سرخ از چندی پیش برای یکسره کردن کار متفقین بالکانی هیتلر مشاراعلی را در جبهه جنوب خاوری اروپا وارد میساخت و مخصوصا در این اواخر تهدید قوای شوروی برای آلمان بسیار خطرناك شده « وین » دوچار تهدید گردیده بود ، بدون علت فرماندهی ارتش آلمان برای جلوگیری از خطری که مستقیما قلب « آلمان بزرگ » را تهدید مینمود مجبور بود با تمام قوادر « بوداپست » پافشاری کند و بقول خودش آن جا را یك « استالینگراد آلمانی » مبدل سازد .

ولی چون از دستها پیش « احیاط سوق الجیشی » آلمان ته کشیده و فرماندهی قوای دست خورده ای برای اعزام بجبهه ها نداشت ، لذا مجبور شده بود از دیگر نقاط جبهه قوائی به حوالی « بوداپست » منتقل سازد .

فرماندهی قوای شوروی با استفاده از این موقعیت و مشاهده وضع مساعد جبهه در لهستان ، طریقی را که مدتها دنیا در انتظار آن بود در « ورشو » وارد ساخت .

بدین ترتیب اوضاع جبهه خاور برای همیشه بنفع قوای شوروی تغییر یافته است . هیتلر مجبور است بین « وین » و « گوتیگزبرگ » یکی را انتخاب کند .

با فقدان قوای احتیاطی و سوق‌ـ ـ الجیشی دیگر جلوگیری از پیشرفت قوای سیل آسای سرخ محال بنظر میرسد فردا « بوداپست » سقوط خواهد کرد و پس فردا « وین » .

« بلشویکها » علی رغم هیتلر و گوبلز پیش میروند مساعی فرماندهی ارتش آلمان از این پس تصورات دست و پا زده‌ای بیهوده در خواهد آمد .

چاره منحصر بفرد است : « کوتاه کردن خط جبهه ! »

خط جبهه را باید کوتاه کرد ، تا وقتی که طول آن بنصف برسد . . . اگر حرف ژنرال دیتمار را بپذیرم ، با سقوط « ورشو » دروازه برلین بدست ارتش سرخ افتاده است ، بزودی میدان مرکزی « برلین » در دست شوروی‌ها خواهد بود .

در انتظار آن روز !

فریدون ابراهیمی

لنین در گذشت

ولی لنینیسم پایدار و زنده است

بیست و یکسال پیش در همین روز «ولادیمیر ایلیچ لنین» بزرگترین مربی عالم بشریت، پیوزپیشوای کلیه رنجبران گیتی، نخستین برجمدار مبارزه باپیرو های اجیرپرستی حکومت های جابرو سنگینگر سرمایه داری در میان یک دنیا افتخارو بعد از انجام وظایف مقدسی که سرتا سر زندگانی خود را وقف اجرای آن ها نموده و در این میدان مبارز عظیم فاتح بیرون آمده بود، چشم از جهان بر بست.

بیست و یکسال پیش عالم بشریت بزرگترین راهنمی و یا شهامت ترین فرزندان خود را از دست داد و بدین مناسبت دنیای رنجبران چندین روز عزا دار بود. لنین متعلق بیک کشور و جامعه محدود و معین نبود. لنین رهبر کلیه آزادیخواهان و رنجبران عالم و سر کرده قوای آزادی در مبارزه های شدیدی بود که زنجیر های اسارت و رقیت را پاره کرده تخت حکومت های استبدادی را منهدم و یا متزلزل ساخت

لنین اولین موجد بر افتخار حکومت سوسیالیستی در جهانست. در پرتو راهنمائی و تعلیمات او بود که یک ششم کره ارض از زیر تسلط جابرانه تزار ها یعنی نمایانده قوای مخالف آزادی و سعادت توده های وسیع رنجبران نجات یافت.

این اساس حکومت بیداد گرانه اقلیت سود پرست و برده مکنده را از میان بر داشت و بجای آن حکومتی پدید آورد که نماینده اکثریت رنجبر و حافظ منافع و ضامن سعادت و سرنوشت زحمتکشان میباشد.

تردیدی نمیتوان داشت که پیدایش یک چنین رژیمی مخالف نقشه های حکومتهائی بود که هدف و منظوری جز نگاهداشتن جامعه ها در اوضاع و شرایط قدیم و مبودیت طبقات زحمتکش نداشتند. باین جهت برای از بین بردن این خطر بزرگ که منافع آنها را تهدید میکرد بنای تشبثات وسیعی را گذاشتند قیام و مقاومت «دیکین ها»، — «کلچاک ها»، کمک دولتهای استعمار طالب خارجی باین آلت های اجرای نقشه های استعماری، مداخله مسلحانه دولت های بیگانه و بالاخره روی کار آمدن حکومتهای دیکتاتوری حافظ منافع حکومت های سرمایه داری در کشور های مجاور و همسایه اتحاد جماهیر شوروی مانند «فنلاند»، «لهستان» «رومانی»، «بلغارستان»، «ترکیه» «ایران»، «افغانستان» و «چین» جملگی از اقدامات وسیعی حکایت می کنند که برای خفه کردن این رژیم جدید الاحداث بعمل آمده است منتهی لنین و همکار صمیمی اش «استالین» در برابر این اقدامات پایداری نموده در راه استقرار رژیم جدیدی که سرتا سر زندگانی خود را برای عملی ساختن آن گذرانیده بودند و برای حفظ و حمایت این نوزاد عزیز و محبوب که ثمره کوشش ها و مجاهدت های فداکارانه وسیعی بود بجان کوشیدند و تلاش قوای داخلی و خارجی را بمنظور از بین بردن این نوزاد عقیم و بلا نتیجه نمودند. سالها این دو پرچم دار با عظمت نهضت های آزادی رنجبران از زنجیر عبودیت بجان کوشیدند ملت های بزرگ و کوچکی را که در زیر فشار حکومت جابرانه تزاری می نالیدند «آزادی» دادند

لنین تا روز مرگ خود یعنی تا روز ۱۱ ژانویه ۱۹۲۴ دمی از فعالیت و مجاهدت در راه منظور های عالیه خود دست برنداشت. و بطبقات زحمتکش علاقه و محبت بی پایانی داشت و به تنها قوه ای که سر احترام فرود میآورد قوای رنجبران بود. لنین میدانست که آزادی و سعادت این طبقه وقتی میسر است که حکومت را بدست آورد. در ماه های اخیر زندگانی خود لنین با وجود کسالت شدید از فعالیت دست برنمیداشت و همواره حتی در بستر بیماری هنگام اقامت در «گورکی» مایل بود از جریان امور آگاه باشد و تنها چیزی که مایه تسلی روح و فکر او بود، مشاهده صمیمیت و محبت بی پایانی بود که دوست و شاگرد صمیمی اش «استالین» برای ادامه کارها و اجرای نقشه های عالیه اش نشان میداد. لنین در موقع بدرود زندگی هیچگونه نگرانی نداشت میدانست که «استالین» با قدرتی بی پایان و علاقه ای وافر آرزو های او را کاملا عملی خواهد ساخت.

لنین رهبر بزرگ و باعظمت کمونیست، موجد نخستین حکومت سوسیالیستی بدرود زندگانی گفت و بعد از او استالین با همرزمی راسخ و وارد ای شجاعی نابغه بر به ادامه کارهای اجرای نقشه هایش پرداخت.

امروز که ۲۱ سال از روز مرگ لنین بزرگ میگذرد، عموم جهانیان شاهد نهضت فوق العاده ای هستند که رژیم استقراری لنین در پرتو راهنمائی استالین بدست آورده است. نوزاد آنروزی امروز بجوانی نیرومند و مقتدر تبدیل یافته که هیچ نیروئی را قدرت مقابله با آن نیست. این جوان نیرومند که بعدی جز آزادی و سعادت توده های عظیم زحمتکش ندارد، در برابر سیل نیرومند بزرگترین مهاجمات پایداری کرده، چنان ضرب شستی نشان داد که جهانی از خیره و مبهوت و وادار بستایش او وده است. نیروئی که در پرتو استقرار حکومت لنین و استالین بدید آمده نه تنها نیرو های امپریالیستی فاشیست را از کشور خود بیرون رانده بلکه امروز برای آزاد ساختن عموم ملت های اروپای اسیر و بدبخت مبارزه میکند و بزودی اساس تمدن فاشیسم را از میان برخواهد داشت. این نیرو از تجمع و اتحاد ابرو های توده های وسیع رنجبر اتحاد جماهیر شوروی پدید آمده و محصول مجاهدت های بی پایان رهبرانی مانند لنین و استالین می باشد این موفقیت های درخشان بطوریکه ثابت کرده که با درگذشت لنین تغییری در نقشه های او پیدا نشده و کار های او بطرز تزلزل ناپذیری تعقیب شده است

لنین در گذشت ولی لنینیسم همچنان پایدار و زنده است.

اسرار سینماها

شهرداری تهران لانه اخاذ

سینماهای تهران هنوز تعطیل است میگو یند شهرداری میخواهد مالیات آنها را زیاد بکند، مدیران سینماها حاضر نیستند زیر این بار بروند بنابراین اعتصاب کرده دوسالن ها را بسته اند این ظاهر قضیه است.

ولی درحقیقت این یک سیاست اسرار آمیز است همان دستهای خیانتکار که میخواهند مانع ترقی و تکامل جامعه ایرانی بشوند در این کارهم دخالت دارند سینما داشه مردم مخصوصا جوانان و کارمندان و کارگران وقت خود را تاچار بکارهائی صرف بکنند که برای جامعه هزار جور فلاکت و بدبختی تولید میکند.

میخانه ها قهوه خانه های پر از نکبت و ادبار جای سینماها را اشغال کرده است ما از مشئولیت های کثیف ترقی خواهیم صحبت بکنیم.

سینما درممالک مترقی یکی از وسایل تربیت و تعلیم وسیع جامعه است سینما وسیله ایست که طبقات مختلف جامعه را مشغول میکند و بدون اینکه افراد قصد آنرا داشته باشند از فرهنگ جهانی بدینوسیله استفاده میکنند چشم و گوششان باز میشود، دنیارا در پرده سینما تماشا کرده از آداب و رسوم ملل متنوع آن مطلع میگردند سینما در جوانان ذوق ادبی و موسیقی و نقاشی و هنرهای زیبا تولید میکند.

سینما مدرسه است مدرسه عملی مدرسه وسیع علمی مدرسه سیاسی و اجتماعی در آن را بستن جنایت است.

شهرداری تهران تعداد این کاررا میکند میخواهد بترتیب تشویع را عقب بکشد مردم را در جهل و نادانی نگهدارد مخصوصا سینماهای امروزی برای طبقات پائین منبع اطلاعات سیاسی و جنگی است اخبار جنگی سینما ها را مردم باکمال میل و اشتیاق تماشا کرده از آن درس شهامت و مردانگی و دلاوری می آموزند.

شاید اتهاج از این بدش می آید نمی خواهد مردم از میدانهای جنگ اطلاع پیدا بکنند بلکه دستهای مرموز سینما را بدین عنوان قدغن کرده اند که بازار قلندر ها و تقالها و روضه خوانها رواج پیدا بکند.

سینما و میخانه، سینما و خانه های کثیف عمومی - سینما و تریاک - سینما و قمار پیوسته باهم در نبرد بوده اند.

شهرداری سینما را زمین زده است که میخانه و قمارخانه ها و فاحشه خانها و تریاک و قلندر بازی بالا بگیرد.

از وسایل فرهنگی مالیات گرفتن برای ملتی که بنام فرهنگ هیچ چیز ندارد ننگ است آبرو ریزی است.

اینرا مستشاران متمدن امریکائی هم برای ایران مراعات نکرد از حروف چین چاپخانه ها از کتابفروشان از کاغذ از مطبعه از هر وسیله ای که در ترویج معارف در پیشرفت مطبوعات در وسعت انتشار کتاب دخالت داود با کمال خشونت و فشاری مالیات گرفتند.

ما بین اوشت افزار فروشی کتاب خانه و خرازی فروشی و محتکر بن دیگر فرقی قائل نشده.

این کار دولت ان کار شهرداری

حل معمای اعتصاب سینماها را قطعا باید در سیاست جستجو کرد مطلب باین سادگی نیست. میخواهند مردم را بخواباند احمق و کورو کر افهم وعقب مانده بار بیاورند میخواهند خلق را زیر بار موهومات بکشانند.

شهرداری فقط برای پول اینقدر مساجت نمیکرد زیرا تا سه یک نیم کاسه دیگری است این درخت مسموم کننده از یک سرچشمه اسرار آمیز دیگر آب میخورد و آنرا باید شکافت و کشف کرد و بمردم معرفی نمود والا حل مسئله سینما کاری ندارد.

سینماهای تهران را مانند رستورانها و مهمانخانه ها میتوان طبقه بندی کرد. برای هر یک قیمت معین اجباری تعیین نمود ممکن است سینماهائیکه به طبقه متوسط تخصیص داده میشود با اعلام از دادن هر گونه عوارض و مالیات آزاد باشد تا هر کس باقیمت جزئی که منافع صاحبان هم در آن منظور شده باشد از سینما استفاده بکند

پولدارها که طالب آسایش و زیبائی هستند به سینماهای لوکس گران بهاء بروند و شهرداری از منبع عائدی محروم نگردد اصلا شهرداری وظیفه خود را نمیداند انجمن شهرداری دست اشخاص مومل و خود خواه منفعت جو و محتکر قرار گرفته است.

افتخار شهر در سازمانهای فرهنگی اوست. این وظیفه شهرداری است که مستقیما در تمام مختلف شهر سینماها و تماشاگاهها و باشگاهها ساخته قیمت مناسب بلکه مجانا در دسترس عموم بگذارد یک کافه شهرداری را که عفن بود یک محل آبرومندی برای مردم شهر باشد باختیار این آن میگذارد اگر را میدهند

شهرداری معلوم میشود فقط برای عائدی میخواهد شهر را خراب بکند میدان منکنج قطعا لوبیاستی فروخته شود شهر تهران باید خجالت بکشد که یک باغ ملی درست و صحیحی ندارد. دو باغچه کوفتی که در دوره سابق درست شده بود محل آسایش سگها شده است.

سنگلج حقش بود باغ فرهنگ عمومی باشد، شهرداری در آنجا برای سرگرمی مردم برای آسایش کودکان برای طبقات کوتاه کن شهر سازمانهای عمومی آبرومندی ایجاد بکند.

رستوران عمومی کافه عمومی سینما های متعدد برای کودکان محصلین و بزرگان — تاتر — نمایشگاه صنایع و هنر های زیبا و سایر موسسات مفید فرهنگی و اجتماعی که میتوانست برای شهر تهران موجب افتخار و سربلندی باشد در همین میدان جا میگرفت تمر کز پیدا میکرد.

بالاخره خرمن را باید در نظر گرفت دنیا پیش میرود ترقی میکند ماهم ناچاریم با عالم همرنگ باشیم از تمدن از علم از کارهای اجتماعی که دیگران را به اوج ترقی و تعالی رسانده است استفاده نمائیم

شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ و کوچک ما با احتیاجات فرهنگی ما وفق نمیدهد شهرداری ها باید در دست اشخاص تحصیل کرده مترقی و دلسوز باشد این دکان کثیف واکه لانه مردمان زشت عقب مانده مرتجع موام و منفعت جو قرار گرفته است هرچه زودتر باید تخته کرد درجای آن یک شهرداری آبرومندی بوجود آورد که بتواند با احتیاجات فردا متناسب باشد.

حکایاتی چند راجع بزندگانی لنین

بقیه از صفحه ۱

بخانه، بروسیه!

وقتی که در روسیه پادشاه را از تخت سلطنت انداختند لنین در خارجه - در سویس بود. هنگامی که باین این خبر رسید نخواست یکدقیقه هم صبر بکند، او نمی توانست از میهن خود دور باشد ودلش او را به روسیه می کشاند.

ولی رفتن بروسیه چندان آسان نبود. در هرطرف جنگ بود.

بالاخره پس از تلاو جهد زیادی به لنین و سایر رفقای روس که در خارجه زندگانی می کردند اجازه دادند که از راه آلمان و سوئد به پترو گراد حرکت کنند، فقط از آن ها تقاضا شده بود که هیچ کجا در ایستگاه ها از راه آن خارج نشوند و با بکفر آلمانی هم صحبت نکنند.

لنین همین که داخل واگن شد فوراً به اطاق خودرفت و در را بروی خود بست. در روسیه کارهای بزرگ و توی منتظر او بودند.

بایستی در باره مسائل بسیاری اندیشه می کرد.

طاو باسرعت زیادی ازراه سویس بسرحد آلمان حرکت می کرد. ماه مارس بود ولی در باغهای کوچك وتمیز ایستگاههای سویس گل های سرخ شکفته بودند. لنین این چیزهارا هیچ ملتفت نبود. اودرجلوی پنجره نشسته تند تند روی ورقه های کاغذ چیزی مینوشت. بعد ورقه هارا کنار گذاشته وبنلوزوا کنستانتی تو تاکفت:

مارا درروسیه دیر بسا زود حبس خواهند کرد.

او از تاکرافات مطلع بود که درروسیه پادشاه وازسلطنت انداخته اند وبکفر ملاك، بکفر متمول ملیونر یك نفر صاحب کارخانه وسایرین را که خیلی به آنها مانند هستند دراس حکومت گذاشته اند. واگر آن ها در حقیقت هم تصمیم می گرفتند لنین را حبس کنند جای تعجب نبود.

ولی مسافرین دیگر در این باره فکر نمی کردند. آن ها دراهروواگن جمع شده خوشحالانه صحبت می کردند، میخندیدند، آوازمیخواندند. . . . ولی هیچ نمی خواستند که لنین هم با آن ها باشد. ولی جرأت نمی کردند اورا صدا کنند. آن وقت چند نفرازرفقا نزدیك دراطاق او آمده وآهسته شروع بزمزمه کردند:

ابرها، ابرها، جمع گشتند
مه افتاد بصحرا...
ارچه فکرمیکنی،
بیان کن، ای پیشوا!

لنین شنید، خندید واز اطاق بیرون آمد همه باز بیشتر خوشحال شدند وبه اتفاق ولادیمیر ایلیچ یك آواز دیگر هم خواندند. موقعی که سرحد آلمان نزدیك شده بود ولادی میرایلیچ دستور داد:

حالا دیگر آواز خواندن بس است:

بالاخره قطار در جلو بناز دریا ایستاد. این جا باز سر حدبود. آن سوی بناز خاك کشور دیگر - سوئد شروع می شد.

در بناز، در نزدیکی اسکله کشتی بزرگی آماده ایستاده بود. در داخل آن دو تهش دبل کشیده شده بود ولوکوتیف بواش بواش واگن ها را یکی پس از دیگری باسافر پشان داخل کشتی نمود. این

جناب آقای مدیر کل
یك تابلو زنده از فساد تشکیلات
اجتماعی و اداری
۷ — ۱۰

کشتی چنین کشتی عظیمی بود که تمام نفتار در کشتی جا گرفت و باز مقدار زیادی هم جای خالی ماند .

راه بغاز طولانی بود چونکه ناخدا احتیاط می کرد که مبادا بمین بر بخورد علاوه بر آن ، طوفان شدیدی بلند شد و کشتی را در روی موجها باینطرف و آنطرف می انداخت . خیلی از مسافرین بیمار شدند ، ولی ولادیمیر ایلیچ از تلاطم دریا باکی نداشت .

بالاخره ساحل سوئد پدیدار گشت این از این جا از بابت تحت سوئد تلگرافی به پتروگراد فرستاد که بزودی وارد خواهد شد . در اینموقع شب بود .

لنین عجله داشت؛ برای او هر ساعت دانش غنیمت بود بنابراین او تکلیف کرد که راهرا کوتاه بکنند یعنی با راه آهن از سراسر سوئد نرفته بلکه با واه باخت از روی یخ خلیج بروند .

هنگام صبح بود که لنین با همراهان خودش در کنار دریا در قصبه کوچك ماهیگیران ایستاده بود . از این جا در روزهای روشن ممکن بود انسان ساحل روس را ببیند .

ولی صبح آنروز برف از در ای یخ بسته مه سفید رنگی گسترده شده بود و در چلو هیچ چیزی نمایان نبود

برای حرکت شروع بتدارك نمودند دهقانان سوئدی با سورتمه های کوچك نگلو اداره رفت و آمد میکنند و در یك سورتمه غیر از خود سورچی آن فقط دو نفر میتوانند بنشینند .

روسها بشرکه خانه باز مشت می کردند تقریبا سی نفر بودند . بنابراین بایستی که با نزدیك سورتمه کرایه می کردند .

همین طور هم کردند با نفر صاحب موی سوئدی را بسورتمه ها بستند و از بین مه تمام سورتمه ها یکی پس از دیگری از روی یخ خلیج دریا بسراه افتادند .

سورتمه‌ای که ولادیمیر ایلیچ در آن نشسته بود در وسط واقع گردید .

آنوقت همه بانك زدند .

لنین را چاو بیندازید : لنین را بیدار کنید چلو تر بروید .

سورچی شلاقی باسب زد و سورتمه ولادیمیر ایلیچ سرعت تمام چلو رفت .

دختر جوانی در چلو باسورتمه حرکت او چارقد سرخ سرش را در دستش نگاه داشته بود و تقلا میکرد آنرا به چوبی ببندد .

لنین که باو رسیده بود این منظره را دیده پی برد که این دختر میخواهد پرچم سرخ درست بکند .

لنین خاموشانه دستش را دراز کرد و این دوشیزه دستمال سرخ را باو داد . مه در اینوقت کم کم پراکنده میشود آفتاب نمودار گردید .

از دور در کنار دریا بام خانه بزرگی پدیدار شده بود . این ایستگاهی بود که از آنجا راه آهن بپتروگراد منتهی میشد .

هنگامی که ساحل خیلی نزدیك شد ولادیمیر ایلیچ پرچم سرخ را در بالای سرش تکان داد .

ودر دو بروی او پرچم دیگری به حرکت در آمد . این پرچم راه‌آهنیان و سربازان انقلابی در بالای بام ایستگاه بلند کرده بودند .

حمله زمستانی ارتش سرخ با موفقیت شگفت ادامه دارد ۰ سه روز پیش ورشو پایتخت لهستان آزاد شد روز گذشته رادیو ها خبر سقوط لودز را اطلاع دادند ۰ هر آن با سرعت عجیبی ارتش سرخ پایتخت آلمان نزدیك میشود ۰

مراسم افتتاح خانه فرهنگ

روز جمعه ساعت ۷ بعد از ظهر بنابه دعوت نماینده انجمن روابط فرهنگی اتحاد جماهیر شوروی با ممالك خارجه (وکس) عده‌ای از دانشمندان و ادبا روزنامه نگاران و اعضای دولت در باشگاه انجمن روابط فرهنگی ایران شوروی حاضر شده بودند .

جلسه را آقای اوالف با قرائت نامه آقای ماکزیمف سفیر کبیر شوروی که بعلت کسالت نتوانسته بود حضور بهم رساند افتتاح نمود .

آقای ماکزیمف در نامه مختصر خود خدمات بزرگی را که مقارن اتحاد جماهیر شوروی مخصوصا ارتش سرخ بفرهنگ عالم کرده است اشاره کرده علاوه نموده بود که انجمن فرهنگی ایران و شوروی همچنین خانه فرهنگی با آشنا ساختن دانشمندان ایران بافرهنگ اتحاد جماهیر شوروی و همچنین شناساندن فرهنگ ایران به دانشمندان اتحاد جماهیر شوروی نقش بزرگی در تحکیم روابط سیاسی و فرهنگی این دو کشور بازی خواهد کرد .

بعد از آقای اوالف آقای بیاك رئیس دولت در نطق مختصر و معنی دار خود از اهمیت روابط ملل اتحاد جماهیر شوروی ایران بحث کرده راجع بنماینده انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی همچنین راجع بکار های مفید خانه فرهنگ اظهار امیدواری نمود .

سپس آقای سابلین نماینده (وکس) راجع باهمیت انجمن روابط فرهنگی و کارهای آن بیانانی کرده گفتند خانه فرهنگ همیشه از دانشمندان و نویسندگان و رجال و فرهنگ پژوهان ایران با کمال خوبی و احترام پذیرائی خواهد کرد و خواهش کردند که آقایان خانه فرهنگ شوروی را خانه خود دانسته با حضور در آنجا کارمندان آنرا ممنون فرمایند

در خاتمه فیلم ورود آرتش سرخ به بلغارستان را نمایش دادند که بسیار جالب توجه بود همچنین اشغال دژمستحکم آلمان (بلگراد) هم شگفت وحیرت آور بود .

روی همرفته مراسم افتتاح بکری و خوشی وزیر احساسات صمیمانه انجام یافت .

اما راجع بکار های انجمن مخصوصا هیئت مدیره آن مادر شماره های آینده خواهیم نوشت .

تکرار !

از اردبیل

در خواستهای مردم اردبیل

مجلس شورای ملی ونوشت نخست وزیری رونوشت آقای دکتر کشاورزی نماینده مجلس رو نوشت آذربایجان در متینك روز ۱۳۲۱/۱۰/۱۳ با حضور متجاوز از ۳۰۰۰ نفر متینك داده قطعنامه زیرین را تصویب عموم شرکت کنندگان متینك رسیده و از زمامداران و مجلس آنرا در خواست دارند —

۱ — تبعیدفوری مستر ضیاء الدین خان

۲ — محاکمه و مجازات دکتر میلسپو —

۳ — تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی

٤ — تشکیل دولت از عناصر صالح و آزادیخواه و پاکدامن

٥ — توقیف روز نامه های رعدامروز نسیم صبا آرزو و مرد امروز و نسیم شمال

٦ — وضع قوانین راجع به یهودی اوضاع دهقانان

۷ — رفع بیکاری و بحران اقتصادی —

۸ — استحکام روابط دوستی با ملل اتحاد جماهیر شوروی — مطرونیکه باز ها گفته ایم عملا ثابت کرده ایم تا این در خواست ها عملی نشود از اجتماع وقیام دست بر نخواهیم داشت — جلالی علی اکبر سردار

از رشت

پیچیده آزادی پی سوزه‌اند

وسیله روز نامه آذربایجان — شورای عالی جبهه آزادی — امروز اوزدهم دی ماه جلسه مرکب از مدیران جرایدالبرز صورت فکر جوان آگاه یك وعده نمایندگان اتحادیه های کارمندان دولت اصناف و پیشه وران کارگر تجار و ملاکین روشن فکران معلمین دانش آموزان سازمان جوانان و نمایندگان کمیته ایالتی حزب توده ایران در گیلان تشکیل و کلیه سازمانهای نوق که نمایندگان مختلف آنها در ذیل امضاء نموده اند پیوستگی و ائتلاف خود را بجبهه آزادی اعلام و تقاضای صدور اعتبار نامه دارند دبیر شورای شهرستان رشت قریشی میشود — جم نژاد عباس زمانی امان الله قریشی امامی صالحی آزاده گیلانی محمد پژوه فلاحتی نیك روان علی تقی فرسائی ابوالحسن ناصرالی محمود مسرتضوی دزفولی برز وارسته علی اصغر آذرنیا یحیی گیگاسری عباس عباس زاده علی دادور — احمد شفیعی هادی بهشتی فریدون بزدان فسر اسدالله بیگی موسی جلیل — کوچك پور هادی ابطحی علی مویدی

آقای مهندس فریور چرا؟

برپش آقایان دشتی و مهندس فریور باید خندید که ابتهاج آنها را بکارخانه برق کشانده شاهد فعالیت خود قرار داده است

آقایان نمایندگان مجلس خشن بود می پرسیدند چطور شده است که هر شب یك قسمت مهمی از شهر تهران در تاریکی فرو میرود و درون و بیرون کافه‌ها - بارها - هتل ها با درخشندگی آفتاب رقابت میکنند

چرا گردانهای مخابرات ارتش بجای کارگران متخصص برق گماشته می‌شود ؟ علت فرت بهرام برامطلی و سرباز دیگر چه بوده است ؟

چطور شده است که پیاده رو های تهران و از یکطرف اصفالت میکنند از طرف دیگر بلجن‌زار تبدیل میشود .

برای چه میدان سنگلج را نخواستند برای حفظ آبروی شهر بیاغ فرهنگ مبدل بکنند و آن راکه مال مردم بوده باچه حق دارند بفروش میرسانند ؟

چرا سینما های تهران چند ماه است تعطیل کرده اند ؟

برای چه قصابها و سایر کسبه بنرخ شهرداری اعتنا نکرده بهرقیمتی که دلشان میخواهد فروش میکنند

چرا فروشگاههای شهرداری موجب گرانی شهر شده خرار و بار و میوه را از دکان های خصوصی چندین برابر گرانتر میفروشند ؟

شهر داری برای رفع بیکاری که آینده جامعه را تهدید می کند چه کرده است ؟

آقای دشتی سلیقه مخصوصی دارد موقوف بفرمایید با پتواج‌ها و ایرین معاشرت بکنند از دزدی‌ها و تقلبات آشنایان خود چشم بپوشند ولی مهندس فریور چرا؟

تنفر منورین آزادیخواهان فارس از سید ضیاء

از شیراز

مجلس شورای ملی ونوشت آذربایجان امضا کنندگان بنمایندگی از طرف توده های زحمت کش و آزادی خواه فارس بدین وسیله تنفر شدید خودمان را نسبت به سیدضیاء خائن و بیوطن ابراز می داریم زیرا برما و عموم آزادی خواهان و مردم بیدار ایران مسلم است که این سیدضیاء عامل رسمی دولت های بیگانه و استعمار طلب بوده و می خواهد با تقویت و اجرای سیاست بیگانه و تهیه مقدمات یك حکومت دیکتاتوری وطن عزیز ما را رسما بسوی استعمار و بندگی سرمایه داران بین المللی سوق دهد خصوصا بنابه اخیر که این سید جاسوس فقط و فقط بدستور دولت های استعمار طلب و بقصد تحریك و عوام فریبی و تشدید تیرگی روابط ایران و اتحاد شوروی انتشار داده احساسات تنفرآمیز آزادیمردان فارس را بیش از پیش تهییج نموده و تصمیم آنان را در مبارزه با خائنین وطن و نوکران بیگانه واسخ تر ساخته است توده های میهن‌دوست فارس در مبارزه عظیم و آزادی‌بخش — که اکنون برعلیه دشمنان ملت و ایرانی خود هم‌قسم بوده و باکمال بی — صبری محاکمه و تجدیدنوری سیدضیاء خائن و مجازات شدید هم‌کاران مرتجع و مزدور اورا خواستار ند محمد ماهری لیسانسیه حقوق فریدون توللی لیسانسیه باستان شناسی دیپلم ادبیات عبدرسول بروزی لیسانسیه علوم سیاسی عزیز دانا علی منفی افسر سابق ارتش محمد تقی ابن‌جواد اسمعیل اجتماعی مدرسی عبدمجید اردوبادی هوشنك ارباب دیپلمه ادبیات مهدی باکروان ارسلان تمنا حسن جوادی احمد ارشدی دانشجو حقوق صاحب دیپلمی ایرج رادپور لیسانسیه دانشسرا عالی احمد کریم نازی لیسانسیه حقوق جواد میرزی دیپلمه ادبیات حقوق صاحب دیپلمی رحیم فنیی دیپلمه کشاورزی عبدالحسین طبا طبائی لیسانسیه حقوق صمد امور حسین بیژنی دانشسرای پسران فتح الله زاده عبد — الرحیم امین مهندس علی‌علی اصغر اقتصاد فارغ‌التحصیل دانشکده فنی مهندس جواد ماهری چمشید جمشیدی محمد علی جاوری بهرام جلال اسماح مهندس اقتدار بهاء الدین حجت رحیم رحیمی لاله‌پرور اصغر عطار مهندس عبدالله ساعری حبیب سودبخش دیپلمه دبیرستان شیراز شعبه آهنگری سلیمان‌منصور کریم رحیمی میکانسین الکتریك

سیل تلگراف ادامه دارد

بزودی هایر علیه سید ضیاء متینك داده اند

مجلس شورای‌ملی ۷ رونوشت کوبنه مرکزی حزب توده - دربار - وهبر. ایران ما اقدام ظفر توسط آذربایجان جبهه آزادی در تاریخ ۲۲/۱۰/۲۲۳ ضمن سفارش‌ایالت‌هزار نفری در بزد پس از پایان نطق قاطبه اهالی نفرت‌خود را از سید ضیاء خائن ابراز و متذکر شدند که سید بموجب اعلامیه اخیر خود را نماینده ما میخواند منتخب ما نیست ما خواهان تبعید او از ایران می باشیم از طرف شرکت کنندگان سراجیان مومنی فرخی مصلح استادان هاشمی.

راجع بقالیهای شرکت مصالح ساختمانی

آقای مزدوری رئیس حسابداری شرکت مصالح ساختمانی نامه‌ای نوشته شرحی را که راجع بفروش قالیهای آن شرکت که در شماره ۲۳۵ نوشته بودیم بتفصیل بیان کرده برای رفع سوء تفاهم اظهار نموده است که در این معامله ابدا سوء نظری در بین نبوده آقای اخوی شخصا پایان کار مبادرت نکرده است.

بزودی داستان «عشق»

اثر تازهٔ والداواسیلوسکا

نویسندهٔ مشهور داستان «رنگین کمان» که شهره جهانی یافته در آذر منتشر میشود .

ترجمه : کریم کشاورز

چاپخانه روزانه

انتهای امیریه جنب فرهنگ

تلفن ٦٢٥٨

آزبر

«مرگ جسمانی لنین مرگ عمل او نیست»

بقیه از صفحه اول

امید در خلال تمام احوال با یکنام توام بوده از آن منفك نمی گشت . تمام « لنین » پیشوای سازمانهای (دورا های) سربازان و کارگران و دهقانان ! امید ملت ما واهی و بی اساس نبود .

انقلاب کبیر اکتبر - این تحول عظیم و شگرفی که در تاریخ بشریت نظیر نداشت و رجال بزرگی که آن را بدون وهبری و استیمن دولت زحمت کشان را دو جهان ایجاد کردیا امتناع از سیاست جابرانه تزاری و دادن دست دوستی و مساعدت بملل ضعیف - افکار زندگی مستقل ملی را برای ما ایز فراهم آورد .

...

بامداد ۲۲ ژانویه سال ۱۹۲٤ خبری در جهان منتشر شد که قلوب تمام هواخواهان آزادی و ترقی بشر را بدون تفرق مسلك و طریقت فشرد .

« ولادیمیر ایلیچ اولیانوف لنین دیشب در ساعت شش و پنجاه دقیقه در قریه گورکی نزدیك مسکو درگذشت »

لنین نابغه شابسته بود — درمکان شایسته و زمان شایسته کار بزرگی را که بنفع زحمت کشان و ملل ستم دیده جهان بود انجام داد .

مردم خود موجد و خلاق تاریخ هستند . ولی این عمل را درتحت شرایط معین مادی انجام میدهند .

مردان بزرگی که رهبری خلق را بعهده میگیرند هرقدر نیکوتر و بیطرفانه تر بحوث جریان اوضاع و ترقی جامعه را درك کنند و عمل خویش را بر آن پایه استوار سازند بیشتر میتوانند در جریانات تاثیر نفوذ نمایند . جریان تاریخ را شرایط مادی حیات جامعه تعیین میکند . ولی کسی که ضروریات خود اقتصادی جامعه را استنباط و نیاز-مندی های طبقه پیشرو و ترقی را درك کند می تواند در راس وقایع قرار گرفته مردم را بدوخویش گرد آورده و تاریخ را بپیش سوق دهد .

در تاریخ جهان کمتر مردی مانند لنین واجد تمام شرایط فوق بوده . وی پتوه های خلق زحمت کش - ایمان باین اصل که « بدون آزادی توده ها - آزادی فرد غیر میسور است » وی و امر حتش را پیروه ساخت

« مرگ لنین مرگ عمل وی نیست »

بیست سال پیش روز ۲۲ ژانویه جهان بالا در بنایه هائی که بمناسبت درگذشت پیشوای انقلاب کبیر اکتبر منتشر شد تکرار می گشت .

اکنون که بیست سال از آن روز غم خیز میری گشته . امروز که رژیم لنین استعداد بقای خویش را در طی سخت ترین و پیرحمانه ترین نبردهای تاریخ ثابت کرده است . حقیقت و صحت این جمله قصیر و پرمعنی مانند آفتاب عالم تاب می درخشد .

سپاه حق بر جوش سیاه دل ظالم و باطل پیروز میگردد . استالین بزرگ شاگرد و رفیق و همکار شایسته لنین سکان کشتی دولت کارگران و دهقانان واگه استاد بزرگ بحکم قانون لایتغیر طبیعت از کف رها کرد بدست گرفت کشور شوروی را از میان گردبادهای حوادث گذراند . بزرگتر و نیرومند تر گردانید . ملت ما فقط میتوانداز این عظمت و نیرومندی خود شعال باشد . سرنوشت چنین بود که سال بیستم دو-گذشت لنین با بزرگترین پیروزی های اوتش سرخ در جهان برعلیه نیروهای امپریتی مصادف گردد .

مارشال کوتیف بسر یك روستائی فقیر میبرد با - مارشال زوکوف پسر یك کارگر ساده کارخانه - مارشال ووکو-سوسکی پسر یك کارگر راه آهن یکیك دیگر فرزندان شایسته انقلاب کبیر اکتبر که در جبهه وپشت جبهه با ارخود گذشتگی خیره کننده قد جان بکف در نبردند - آری این تلامذه روحانی لنین و استالین بزرگترین ارتش جهان را بوانو در آورده و بسوی برلین پیش میروند .

مرگ جسمانی لنین مرگ عمل و آمال او نبوده و نیست.

بمناسبت آغاز بیست ویکمین سال فوت لنین

بقیه از صفحه اول

دیمی در اثر تفکر و تحلیل انفرادی پیدا نشده است بلکه مجموع دانش و تجربه معلومات بشری است نبوغ او که یك دانشمند فکوری بوده توانسته است همالم انسانیت را باآن تجهیز نماید .

لنینیزم را استالین مارکسیم دوره امپریالیزم نامیده است لنین تاریکیها وابهامی را که بامبرزیم قرن روی تعلیمات کارل مارکس کشیده شده بود شکافته ازمیان برداشته است درجهای دیگر استالین میگوید لنینیزم تئوری و تاکتیك انقلاب پرولیتری و دیکتاتوری این طبقه است »

لنینیزم درمبارزه روزانه درمیدان فعالیت پیدا شده بود سازمان و ایجاد سوسیالیزم نشو ونما کرده در روز یم شوروی درحزب کمونیست و در سازمان های دیگر ملل اتحاد جماهیر شوروی تبلور یافته بموقع عمل درآمده است .

لنینیزم تئوری خشك و خالی نیست برنامه است دستور انقلاب است

درنظر لنین آزادی خواهی و انقلاب عام است صنعت است . باید آنرا یاد گرفت و تحصیل کرد .

هیچ کس باندازه لنین تئوری مارکس را درك نکرده بود و هیچکس مثل او این تئوری خلاقه نداشت .

مارکس گفته است بدون تئوری انقلابی پراتیك انقلابی مصر نمیشود لنین این عبارت را هرگز فراموش نکرده و از تکرار آن خود داری ننموده است پیروان لنین نیز مانند خود او معتقد بوده اند که بدون تئوری انقلابی پراتیك انقلابی بیفایده و بدون پراتیك انقلابی تئوری انقلابی بحرف مفت خواهد بود

لنین را بعضی ها میگویند فقط یك دانشمند بعد و ملی و یکدرد سیاسی روسی معرفی بکنند این ایده ای خدمه آمیز است لنین رهبر تمام رجبران عالم بوده است آثار او تعلیمات معنی دار و عمیق و جنبه جهانی دارد و رجبران تمام کشور ها ناچارند در مبارزه شدید یی که در پیش دارند از آن استفاده نمایند .

لنین در دوره فعالیت سیاسی سی و شش ساله خود کتب و رسائل و مقالات بسیار نوشته است همه اینها پر از معنا و مطالب اساسی است که برای هر فردی دانستن آن ها مفید و لازم میباشد علاوه بر این آثار او تنها بانقلیاتش تمام نمیشود - حزب کمونیست و دولت اتحاد جماهیر شوروی با تمام قطبنش یادگار نبوغ او است .

در خواست اهالی

مشکین شهر

مجلس شورای ملی و دولت بحضور وزیری و دولت آقای دکتر رادمنش نماینده فیلس رو دولت جرابد وهبر رو دولت فرمان رو دولت آزیر اهالی مشکین علناد و نیتیك و طلقی که دو قریه ارسق دادند عموما انزجار و تنفر خود را از بیانیه اخیر مستر ضیاء الدین خان و اجنبی اظهار و از دولت تقاضا دارند که این مرد یاوه گو اجنبی را با نوکر های دکتر میلسپو محاکمه و مجازات سبس از ایران اخراج نمایند و تقاضا دارند که روزنامه های مزدور سید مانند رهد امروز مرد امروز نسیم صبا نسیم شمال واتوفیک و اجازه بدهند انجمن های ایالتی و ولایتی انتخاب گردیده و حکومت ظلمی طهران نیز لغو گردد امیر علی لاهرودی عبدالله مصطفی ماشه اولان

ملاوه بر همه اینها باید اعتراف کرد که هوش و ابوغ او سبب شده است امروز در راس دولت اتحاد جماهیر شوروی مرد لایق و لنین معاصری قرار بگیرد .

استالین امروز هان کاری را می کند که لنین در خلال حیات خود آغاز کرده بود لنین از شاگردان لایق کارل مارکس بود استالین نسبت به لنین همان مقام را دارد . امروز هیچکس باندازه استالین بعمق تعلیمات مارکس و لنین نتوانسته است پی ببرد . لنین معلوم میشود دانسته و فهمیده اورا جانشینی خود انتخاب کرده زمام امور حزبی را بدست توانای او سپرده است .

این علت و بی دلیل نیست که لنین در کارهای مهم بااو همیشه مشورت کرده تفکراتی های پنهانی خود رابا او بمیان گذاشته و نقشه و برنامه های بزرگ خود را با مشورت او انجام می داده است .

دشمنان اتحاد جماهیر شوروی همیشه منتظر فوت لنین بوده خیال میکردند بعد از او شیرازه دولت شوروی ازهم خواهد پاشید و حزب کمونیست روسیه در اثر اختلافات و مبارزه داخلی از بین خواهد رفت اینها فراموش کرده بودند که لنین دراثر هوش سرشار و تامل اندیشی دقیق خود آینده را پیش بینی کرده کسی را انتخاب کرده است که مانند خود او فکر کرده مثل خود او بکاری که آغاز شده است علاقه مند بوده ودر تمام کار های بزرگ و کوچك او شرکت داشته است

پیش بینی مخالفین دولت شوروی از یك نقطه نظر زیاد اشراق آمیز نبود عناصر فاسدی که حتی در دوره لنین برای هم زدن اساس انقلاب کار میکردند بافوت او جان گرفته خود را ظاهر ساخته سعی میکردند از مشکلات اقتصادی داخلی و سیاست بیچ در پیچ خارجی استفاده کرده فاتحه انقلاب را بخوانند ولی متالین زاده بود او تشکیلات حزب رادر دست و پیروان حقیقی لنین را در پشت سر خود داشت . او با اصول لنینیزم مجهز بود . مانند خودلنین میتوانست جریان تاریخ را پیش بینی کرده آنرا باهمل و اراده خود تغییر بدهد در عمل هم مثل لنین با کمال مردانگی توانست سیل حوادث را بنفع کاری که آغاز کرده بود بمجرای طبیعی بیندازد و دشمنان انقلاب را مغلوب بکند

بهر حال مادر این سوگواری بزرگ بملل اتحاد جماهیر شوروی تسلیت گفته امیدواریم کار او را در تحت رهبری استالین بزرگ که لنین معجز است ادامه داده بهدف مقدسی که لنین درپیش داشت خواهند رسید .

سخنان نویسندگان و رجال خارجی در باره لنین

لنین مردیست که در قلب لینکلن و کرمول آفریده شده است . او خیلی ساده خیلی محکم و خیلی بزرگ است ...

مردی پر انرژی دوستدار طبیعت و کودکان خیلی شوخ وبسیار ساده . مردی که گاهی خشن و عصبانی میشد ولی خلق تند و حساس او زیراراده آهنین وشهامت بی مانند شرحت کنترل شدید قرار داشت . کسی که بدون داشتن هیچ بکلی لفظ ضعف نبوغ تمام آثار وکلام آن را در خود داشت کسی که میتوانست دوست بدارد و کسی را که صمیمانه میپرستیدند این مرد در تاریخ نسل ما آثار شگرفی از خود بیادگار گذاشت . فیلسوفی که رهبر مردم و رهبری که دوستدار توده بود دوستداری که از ظلم و زور بر استثمار و تعدی عدهٔ قلیلی است باکثریت عظیمی رفع میبرد و شدیدا متنفر بود .

(رالف فاکس)

در جریان قرون متمادی هیچ کس را نمیتوان یافت که مانند لنین آتش قلوب و افکار مردم را باین درجه فروزان و مشتعل کرده باشد . در این سال های اخیر نام او زبانزد همه در اکناف زمین بوده است .

مردان پیشرو در میان توده های زحمتکشان خواه روشنفکران و خواه کارگران در لنین تجلی عالیترین مشخصات و صفات جنبش خود و طبقه خود را میبینند . پرانرژی مبارز در لنین گرانبهاترین سنن خود ایمان خودآرمان و ایده آل خود را میبینند . این صفات در او حقیقتا بی نظیر و با نور پر فروغی میدرخشیده است .

حتی آن توده هائی از مردم که هنوز کاملا بیدار نگشته یا دوباره بخواب فرو میروند حتی اینها هم باطناحس میکنند که لنین از آنهاست ...

اهمیت لنین برای جنبش جهانی کارگران بیرون از اندازه است . نبوغ او که خواص بر انگیزنده ایجاد کننده توامنا در آن جمع بود افق های نوینی برای زحمتکشان در آسمان فرهنگ و تمدن گشوده و آنها را از دودلی وسازش کاری جهاد کار و عمل هدایت نمود . مبارزه رجبران در راه رهائی خود میدان و دامنه نوینی یافت . جنبش کارگران را بعقب نمی توان سوق داد لنین روحی تازه و ارادهٔ جوان در نیرو های مبارز بشری که برای هدف مقدس ترقی پیکار میکنند دمیده است .

(مارتین اندرسن نکسو)

... توده های روسیه که بدست لنین رهائی یافته اند مصمم هستند دیگر هرگز زیر بردگی نروند . گروهانهای ایشان را روح لنین فرمانده می خواهد کرد . من شخصا در سرنوشت آن تردیدی ندارم لنین و دولت شوروی وی پیروز خواهند گشت .

سرانوشت آینده نزدیك این مبارزه هر طور و هرچه باشد لنین روسیه او انسانیت و عدالتی که او بالاخره و به منتهی درجه در دولت و کشور داری خود وارد نموده عاقبت موفق خواهد شد .

(تئودر دریزر)

... صد ها ملیون مردم حتی دو تاریکترین اعماق آسیا در اودرلنین برادر و دوست خود آموزگار و مدافع خود و بالاخره مشعل فروزان امید های خود را میدیدند .

صفحات کتاب زمان را با دقت ورق بزنید کی و کجا در تاریخ تاکنون چیزی نظیر آن دیده شده است ؟

مردی که نظیر نداشت در گذشته است ولی بر فراز آرامگاه نبوغ او شهامت شکست نا پذیر او ما را باینهای وظائف فردا میخواند .

(ماکسیمیلیان هاردن)

... روزی که با ناگهانی وحشتناکی فرا رسید لنین دیگر در میان زندگان نبود ...

این فقدان اسفناك در اوایل ۱۹۲٤ بوقوع پیوست . لنین در ۲۱ ژانویه بسن ٥٤ در گذشت . این حادثه برای کسانی که او را تا بآن وقت چنان نشك در معاصره گرفته بودند باور کردنی نبود . چطور میشد مرگ کسی را که تمام انقلاب روسیه را در وجود خود مجسم میکرد کسی که آنرا در سر خود پرورانده طرح کرده بوجود آورده و از خطر وهلاکتش بقشیده باور کرد ... یکی از بزرگترین ایجاد کنندگان تاریخ و بدون تردید پاکترین و صمیمی ترین آنها مردی که بیش از هر کسی تا کنون به شر خدمت کرده است دیگر زنده نیست ...

از همان دقایق نخستین که شورا ها بحکومت رسیدند ستالین بالنین بود و بس از آنکه لنین از کاروان زندگی باز ماند او کار لنین را ادامه داد . و این کامیابی از آثار وبسیار که لنین از مدتها پیش حزب را بجای خود گماشته بود . او خود آنرا در نهایت استحکام و دقت آهنگری کرده پی های نیرومند و قدرت پیروزمندش را پی دیری و آن را بماشین بی بهره رهبری مبدل کرده بود . با وجود عظمت بی نظیر لنین اگر گفته شود لنین تعویض نا پذیر بود صحیح نیست زیرا سازمان نیرومندی که او بوجود آورد پس از مرگ وی کار او را دنبال کرد .

مردگان فقط در این دنیا دوباره زنده میشوند . هرآنجا که انقلابیون باشند آنجا لنین هست . ولی ما ستالین بیش از دیگران ما افکار و آمال لنین را می بینیم — ستالین لنین امروزیست .

(هانری باربوس)